

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سمنان

دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

عنوان:

سرعت مجاز سیاست پولی بهینه در اقتصاد ایران

استاد راهنما:

دکتر علیرضا عرفانی

استاد مشاور:

دکتر اسمعیل ابونوری

پژوهشگر:

آزاده طالب بیدختی

اردیبهشت ۹۲



دانشگاه سمنان
دانشکده اقتصاد، مدیریت
و علوم اداری

باسمه تعالی

شماره:
تاریخ:
پرست:

صور تجلسه دفاع

با تأییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقا/خانم: آزاده طالب بیدختی

در رشته: علوم اقتصادی گرایش: به تعداد: ۶ واحد

تحت عنوان: "سرعت مجاز پوئی بهینه در اقتصاد ایران"

با حضور استاد راهنما، استاد مشاور و هیئت داوران در دانشکده اقتصاد و مدیریت در تاریخ ۹۲/۲/۳۰ تشکیل گردید. در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت.

نامبرده نمره ۱۹٫۴ با درجه عالی

دریافت نمود
امضا
۹۲٫۲٫۳۰
امضا
امضا
دکتر مجید مداح
رئیس دانشکده

راهنما: علیرضا عرفانی

مشاور: اسمعیل ابونوری

داور: رحمان سعادت

داور: میکائیل عظیمی

دکتر مرتضی ملکی
مسئول تحصیلات تکمیلی دانشکده

دکتر مرتضی ملکی
رئیس هیئت داوران
دانشکده اقتصاد و مدیریت
دانشگاه سمنان

سمنان، میدان دانشگاه
پروین تارویک

تلفن: ۰۲۳۱-۲۲۵۴۰۷۸

تلفن: ۰۲۳۱-۲۳۵۴۱۰۰-۹

(داخلی ۳۴۷۴)

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات، و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه سمنان است.

تعهد نامه

اینجانب آزاده طالب بیدختی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته اقتصاد گرایش علوم اقتصادی، دانشگاه سمنان، دانشکده اقتصاد و مدیریت گروه اقتصاد تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن، مسئولیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و مراجع ذی صلاح (اعم از اداری و قضایی) بر عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ‌گونه مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت.

آزاده طالب بیدختی

تاریخ: ۱۳۹۲/۲/۳۰

تقدیم به

پدرم

استوارترین پشتوانه زندگیم که همواره چتر محبتش بر سرم بوده

و مادرم

دل انگیزترین رایحه مهر، که دامن پر مهرش یگانه پناهم بوده است.

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می‌دانم از تمام اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای **دکتر علیرضا عرفانی** که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده‌اند، نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم. از جناب آقای **دکتر اسمعیل ابونوری** به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند، کمال تشکر را دارم.

از کلیه اساتید گرانقدر گروه که در طول دوران تحصیل از محضرشان کسب فیض نمودم، تشکر می‌نمایم.

در نهایت، از تمام کسانی که در طول مدت تحصیل با محبت بی‌دریغشان به من یاری رساندند، به ویژه پدر و مادر مهربان، خواهر و برادرهای فداکارم، به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

امروزه اهمیت تعهد و قاعده‌مندی بانک مرکزی در دستیابی به مهمترین اهداف سیاست پولی بر عموم پوشیده نیست. اما با وجود توافقات گسترده در مورد اهمیت این موضوع، توافقات کلی در مورد چگونگی اجرا شدن آن، از طریق قواعد هدف‌گذاری یا ابزاری وجود ندارد. بنابراین، در این تحقیق، ابتدا مدل پایه‌ای کینزین جدید را با استفاده از داده‌های فصلی دوره ۱:۶۹-۳:۹۰ در اقتصاد ایران برآورد و سپس یک نوع قاعده ابزاری به نام سرعت مجاز را معرفی می‌کنیم. مشخصه اصلی این قاعده این است که تغییرات در شکاف تولید، جایگزین شکاف تولید در تابع زیان بانک مرکزی می‌شود. سپس، نشان می‌دهیم که بانک مرکزی پیروی‌کننده از قاعده سرعت مجاز، نسبت به بانک مرکزی عامل تحت صلاحدید که فاقد ابزار تعهدی است، دارای زیان اجتماعی کمتری است. بنابراین، با فرض به‌کارگیری نرخ بهره به عنوان ابزار اولیه سیاست‌گذاری، بهینه است تا در تعیین نرخ بهره، علاوه بر بررسی نقش تورم و شکاف تولید به بررسی نقش تغییرات در شکاف تولید نیز پرداخته شود. سپس، در این تحقیق، با توجه به عدم توافق کلی در انتخاب ابزار سیاست‌گذاری جایگزین نرخ بهره، از هر دو متغیر نرخ سود بلندمدت و نرخ رشد پایه پولی استفاده کردیم. مطابق انتظار، نتایج حاصل از برآورد این قاعده ابزاری نشان دادند که به ترتیب، از متغیرهای تغییرات در شکاف تولید و شکاف تولید در تعیین نرخ سود بانکی و تورم و شکاف تولید در تعیین نرخ رشد پایه پولی استفاده نشده است. در ادامه، به منظور مقایسه قواعد ابزاری مرسوم سیاست پولی، در ابتدا، به بررسی پایداری شکاف تولید در اقتصاد ایران پرداختیم. نتایج نشان دادند که تحت هر دو ابزار سیاست‌گذاری، در اقتصاد ایران اولاً: شکاف تولید، متغیر آینده‌نگر و از پایداری کمی برخوردار است. ثانیاً: قاعده هدف‌گذاری تورم، در مقایسه با سایر قواعد ابزاری، از زیان اجتماعی کمتری برخوردار است. به‌علاوه، تحت هر دو ابزار سیاست‌گذاری پولی، هر سه قاعده ابزاری در افق پیش‌بینی بلندمدت از توان پیش‌بینی خوبی برخوردار هستند که در این میان، هدف‌گذاری تورم نقش برجسته‌ای دارد.

کلید واژه: سرعت مجاز سیاست پولی، سازوکار تعهد، پایداری شکاف تولید، مدل کینزین

جدید، اقتصاد ایران.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
فصل اول: کلیات تحقیق	
۲	۱-۱) مقدمه.....
۲	۲-۱) بیان مساله.....
۶	۳-۱) سوال های تحقیق.....
۶	۴-۱) اهداف تحقیق.....
۷	۵-۱) جامعه آماری.....
۷	۶-۱) نمونه آماری و روش نمونه گیری.....
۸	۷-۱) تعاریف مفهومی و عملیاتی واژگان.....
۹	۸-۱) ساختار فصل های پایان نامه.....
فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع تحقیق	
۱۲	۱-۲) مقدمه.....
۱۲	۲-۲) تاریخچه موضوع.....
۱۵	۳-۲) مکتب کینزین جدید.....
۱۶	۴-۲) سیاست صلاحدید و مشکل ناسازگاری زمانی.....
۱۸	۵-۲) مروری بر پیشینه تحقیق.....
۱۸	الف) مطالعات خارجی.....
۲۵	ب) مطالعات داخلی.....
۳۰	۶-۲) جمع بندی تحقیقات و جایگاه تحقیق حاضر.....
فصل سوم: روش تحقیق	
۳۳	۱-۳) مقدمه.....
۳۳	۲-۳) مدل پایه ای کینزین جدید در سیاست پولی.....
۴۰	۳-۳) مدل کینزین جدید مرکب.....
۴۰	۱-۳-۳) معادله فیلیپس مرکب.....
۴۱	۲-۳-۳) معادله IS انتظاری مرکب.....

- ۴-۳) قاعده هدف‌گذاری تحت سیاست تعهد، صلاحدید خالص و سرعت مجاز در مدل پایه‌ای کینزین
- جدید..... ۴۱
- ۵-۳) قاعده ابزاری سیاست سرعت مجاز..... ۴۳
- ۱-۵-۳) استخراج قاعده ابزاری سیاست سرعت مجاز از قاعده هدف‌گذاری تحت سیاست تعهد..... ۴۳
- ۲-۵-۳) استخراج ضرایب بهینه متغیرها تحت سیاست سرعت مجاز..... ۴۵
- ۳-۵-۳) استخراج وزن یا اهمیت متغیر تغییر در شکاف تولید تحت سیاست سرعت مجاز..... ۴۶
- ۶-۳) قواعد ابزاری مرسوم در سیاست پولی..... ۴۸
- ۱-۶-۳) اهداف مختلف در قاعده تیلور..... ۴۸
- ۲-۶-۳) مشخصات تجربی قواعد مختلف تیلور..... ۵۰
- ۷-۳) جامعه آماری..... ۵۲
- ۸-۳) سری‌های زمانی مانا و غیر مانا..... ۵۳
- ۹-۳) آزمون ریشه واحد..... ۵۵

فصل چهارم: برآورد مدل

- ۱-۴) مقدمه..... ۵۸
- ۲-۴) محاسبه شکاف تولید، نرخ تورم انتظاری و شکاف تولید انتظاری..... ۵۹
- ۳-۴) برآورد معادلات با تاکید بر نرخ سود بلندمدت بانکی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری پولی..... ۶۱
- ۱-۳-۴) آزمون مانایی..... ۶۱
- ۲-۳-۴) برآورد مدل IS انتظاری و محاسبه پارامتر σ ۶۴
- ۳-۳-۴) برآورد مدل تعدیل تورم (فیلیپس) و پارامتر β و K ۶۵
- ۴-۳-۴) برآورد قاعده بهینه تحت تعهد..... ۶۶
- ۱-۴-۳-۴) محاسبه وزن یا اهمیت متغیر شکاف تولید تحت قاعده بهینه تعهد..... ۶۶
- ۵-۳-۴) برآورد قاعده هدف‌گذاری صلاحدید..... ۶۷
- ۱-۵-۳-۴) محاسبه اهمیت متغیر شکاف تولید تحت قاعده صلاحدید..... ۶۷
- ۶-۳-۴) محاسبه اهمیت متغیر تغییر در شکاف تولید تحت قاعده سرعت مجاز..... ۶۷
- ۷-۳-۴) محاسبه تابع زبان بانک مرکزی تحت سه قاعده هدف‌گذاری..... ۶۹
- ۸-۳-۴) برآورد قاعده ابزاری سرعت مجاز در اقتصاد ایران..... ۷۰
- ۹-۳-۴) محاسبه قاعده ابزاری سرعت مجاز در اقتصاد ایران..... ۷۱

۷۲مقایسه قواعد ابزاری مرسوم سیاست پولی در اقتصاد ایران.....(۱۰-۳-۴)
۷۲بررسی پایداری شکاف تولید و تورم در اقتصاد ایران.....(۱-۱۰-۳-۴)
۷۴بررسی عملکرد قاعده هدف‌گذاری تورم (IT) در اقتصاد ایران.....(۲-۱۰-۳-۴)
۷۵بررسی عملکرد قاعده هدف‌گذاری سطح قیمت (PLT) در اقتصاد ایران.....(۳-۱۰-۳-۴)
۷۶بررسی عملکرد قاعده سرعت مجاز (SLT) در اقتصاد ایران.....(۴-۱۰-۳-۴)
۷۶نتیجه حاصل از مقایسه قواعد ابزاری جایگزین.....(۵-۱۰-۳-۴)
۷۷عملکرد شاخص‌های قواعد سیاستی جایگزین.....(۶-۱۰-۳-۴)
۷۸بررسی توانمندی قواعد ابزاری مختلف در افق‌های متفاوت پیش‌بینی.....(۷-۱۰-۳-۴)
۸۰نتیجه‌گیری.....(۱۱-۳-۴)
۸۳برآورد معادلات با تاکید بر نرخ رشد پایه پولی به عنوان ابزار سیاست‌گذاری پولی.....(۴-۴)
۸۳مقدمه.....(۱-۴-۴)
۸۳آزمون مانایی.....(۲-۴-۴)
۸۴برآورد مدل IS انتظاری و محاسبه پارامتر σ(۳-۴-۴)
۸۵برآورد قاعده ابزاری سرعت مجاز در اقتصاد ایران.....(۴-۴-۴)
۸۶محاسبه قاعده ابزاری سرعت مجاز در اقتصاد ایران.....(۵-۴-۴)
۸۷مقایسه قواعد ابزاری مرسوم سیاست پولی در اقتصاد ایران.....(۶-۴-۴)
۸۷بررسی پایداری تورم در اقتصاد ایران.....(۱-۶-۴-۴)
۸۷بررسی پایداری شکاف تولید در اقتصاد ایران.....(۲-۶-۴-۴)
۸۸بررسی عملکرد قاعده هدف‌گذاری تورم (IT) در اقتصاد ایران.....(۳-۶-۴-۴)
۸۸بررسی عملکرد قاعده هدف‌گذاری سطح قیمت (PLT) در اقتصاد ایران.....(۴-۶-۴-۴)
۸۹بررسی عملکرد قاعده سرعت مجاز (SLT) در اقتصاد ایران.....(۵-۶-۴-۴)
۹۰نتیجه حاصل از مقایسه قواعد ابزاری جایگزین.....(۶-۶-۴-۴)
۹۰عملکرد شاخص‌های قواعد سیاستی جایگزین.....(۷-۶-۴-۴)
۹۱بررسی توانمندی قواعد ابزاری مختلف در افق‌های متفاوت پیش‌بینی.....(۸-۶-۴-۴)
۹۳نتیجه‌گیری.....(۹-۶-۴-۴)

فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۹۶نتیجه‌گیری.....(۱-۵)
----	---------------------------

۹۸ ۲-۵) پیشنهادات سیاستی.....

۹۹..... ۳-۵) پیشنهادات برای تحقیقات آتی.....

فهرست منابع

۱۰۱ الف) منابع فارسی.....

۱۰۲ ب) منابع انگلیسی.....

پیوست

۱۰۷..... نتایج کامپیوتری تحقیق.....

فهرست جداول

- جدول (۱-۴) نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها..... ۶۱
- جدول (۲-۴) نتایج حاصل از معنی‌دار بودن پارامترهای مدل..... ۶۱
- جدول (۳-۴) نتایج آزمون ریشه واحد در متغیرهای روندزدا شده..... ۶۳
- جدول (۴-۴) نتایج حاصل از معنی‌داری پارامترهای مدل در متغیرهای روندزدا شده..... ۶۳
- جدول (۵-۴) مقادیر انحراف معیار..... ۶۹
- جدول (۶-۴) زیان اجتماعی بانک مرکزی..... ۶۹
- جدول (۷-۴) عملکرد شاخص‌های قواعد سیاستی تحت ابزار اولیه نرخ سود بانکی..... ۷۷
- جدول (۸-۴) محاسبه خطای پیش‌بینی قواعد سیاستی تحت ابزار اولیه نرخ سود بانکی..... ۷۸
- جدول (۹-۴) برآورد ضرایب به روش (OLS)، تحت قواعد سیاستی با ابزار اولیه نرخ سود بانکی..... ۷۹
- جدول (۱۰-۴) نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها..... ۸۳
- جدول (۱۱-۴) عملکرد شاخص‌های قواعد سیاستی تحت ابزار اولیه نرخ رشد پایه پولی..... ۹۰
- جدول (۱۲-۴) محاسبه خطای پیش‌بینی قواعد سیاستی تحت ابزار اولیه نرخ رشد پایه پولی..... ۹۱
- جدول (۱۳-۴) برآورد ضرایب به روش (OLS)، تحت قواعد سیاستی با ابزار اولیه نرخ رشد پایه پولی..... ۹۲

فهرست نمودار

- نمودار (۱-۴) روند فصلی شکاف تولید..... ۶۰

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

در این تحقیق، با محاسبه پارامترهای مناسب تحت سیاست بهینه تعهد^۱، به تعیین یک قاعده ابزاری^۲ سیاست پولی با نام سیاست سرعت مجاز^۳ پرداخته و اجرای این قاعده ابزاری را در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم. بعلاوه، به منظور بررسی قاعده ابزاری مناسب در اقتصاد ایران، قواعد ابزاری مرسوم در سیاست پولی را با یکدیگر مقایسه و مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۲-۱ بیان مساله

بانکداران مرکزی، معمولاً برای کنترل سیاست پولی با دو ابزار جایگزین، نرخ بهره در مقابل عرضه پول که از طریق سقف اعتباری، نرخ ذخیره قانونی و نرخ تنزیل مجدد و ... صورت می‌گیرد، مواجه هستند. اگر عرضه پول به عنوان ابزار اولیه سیاست‌گذاری پولی انتخاب شود، در این صورت، نرخ بهره اقتصاد در واکنش بانک مرکزی به تغییرات در عرضه پول، تغییر خواهد کرد و یک متغیر درون‌زا خواهد شد. اما، در صورت انتخاب نرخ بهره به عنوان ابزار اولیه سیاست پولی، تقاضای پول در اقتصاد در پاسخ به تغییرات در نرخ بهره تغییر خواهد کرد. در این حالت، بانک مرکزی برای حفظ تعادل در بازار پول، مجبور خواهد بود تا تغییر در تقاضای پول را با تغییرات مناسب در عرضه پول تطبیق دهد. از این‌رو، عرضه پول متغیری درون‌زا می‌شود. (هاندا، ۲۰۰۸، ص ۱۵).

ویکسل، یکی از اولین اشخاصی بود که این تحلیل را در مدل خود مطرح کرد. به عبارت دیگر، وی در مدل اقتصاد اعتباری محض خود، فرض کرد که سیستم بانکداری به جای عرضه پول، از نرخ بهره به عنوان ابزار اولیه و برون‌زای سیاست پولی در اقتصاد استفاده می‌کند. این

¹ Commitment

² Instrument Rule

³ Speed Limit Policy

دیدگاه، در سال ۱۹۱۷ مطرح شد، اما تا پایان قرن بیستم، چندان مورد توجه اقتصاددانان کلاسیک و کینزی واقع نشد. از سال ۱۹۷۰ به بعد، در اکثر اقتصادهای توسعه یافته، بی‌ثباتی در تابع تقاضای پول به اثبات رسید و اکثر آن‌ها علت این بی‌ثباتی را، بی‌ثباتی در منحنی LM می‌دانستند که در آن، عرضه پول به صورت برون‌زا تعیین می‌شد. از این‌رو، بانکداران مرکزی با تعیین عرضه پول به عنوان متغیر درون‌زا برای تعیین نرخ بهره، ابزار اولیه را از عرضه پول به نرخ بهره، به عنوان متغیر سیاست پولی منتقل کردند. این عمل، در مدل‌های کینزین جدید^۴ که بعد از دهه ۱۹۹۰ شکل گرفته‌اند، به خوبی منعکس شده است. (هاند، پیشین، ص ۵۲).

در سال‌های اخیر، مدل‌های کینزین جدید، موقعیت محوری در مطالعه سیاست پولی بدست آورده‌اند. (کلاریدا، گالی و گیرتler^۵، ۱۹۹۹). ویژگی مشخص این مدل‌ها، نقش برجسته نسبت داده شده به رفتار آینده‌نگری^۶ و انتظارات بخش خصوصی است که تعهد مطلوب را در سیاست‌گذاری پولی ایجاد می‌کنند (وودفورد^۷، ۲۰۰۳). فواید تعهد به سیاست‌گذاری پولی روشن است. زیرا در مدل‌های کینزین جدید، تولید و تورم جاری به ارزش‌های آینده انتظاری آن‌ها بستگی دارد؛ یعنی اهمیت انتظارات سیاست آینده، اگر بیشتر نباشد، به اندازه تصمیمات سیاست جاری است و بانک مرکزی خودش را متعهد می‌سازد تا سیاست یکسانی را در همه زمان‌ها دنبال کند و این تعهد (که فرض شده بخش خصوصی آن‌را باور داشته باشد)، اجازه دستیابی نرخ جانشینی بهتر میان تثبیت‌سازی تورم، تولید و نرخ بهره و دستیابی به حداقل زیان اجتماعی را فراهم می‌سازد. به عبارتی دیگر، تعهد به قاعده سیاستی وسیله‌ای است برای این‌که سیاست‌گذار بتواند انتظارات بخش خصوصی را در مسیری هدایت کند تا بیشترین سودمندی برای تثبیت اهداف اقتصادی داشته باشد. بنابراین، در مدل کینزین جدید به علت

^۴ New Keynesian Model

^۵ Clarida, Gali & Gertler, (1999)

^۶ Forward Looking

^۷ Woodford, (2003)

اهمیتی که به نقش رفتار آینده‌نگری و انتظارات بخش خصوصی داده می‌شود، موجب ایجاد تعهد مطلوب در سیاست‌گذاری پولی و افزایش اعتبار و مقبولیت سیاست‌گذار شده و کارایی نظام سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد. در غیر این صورت، رویگردانی عاملان اقتصادی از تصمیمات بلندمدت موجب افزایش بی‌ثباتی تورمی و تهدید رشد اقتصادی می‌شود.

مدل کینزین جدید، قاعده هدف‌گذاری صلاحیدی^۸ بهینه را تعقیب می‌کند. در این مدل فرض می‌شود که زیان رفاه اجتماعی هر دوره، میانگین وزنی نوسانات شکاف تولید و نوسانات شکاف تورم است. والچ^۹ (۲۰۰۱)، با تمرکز بر تغییر در شکاف تولید در تابع زیان بانک مرکزی، به بررسی نقش تغییرات در شکاف تولید یعنی سیاست سرعت مجاز در تابع زیان و در طراحی سیاست پولی پرداخت. وی با به کارگیری مدل پایه‌ای کینزین جدید آینده‌نگر، نشان داد که بانک مرکزی نزدیک‌بین^{۱۰} که با صلاحدید عمل می‌کند تا تابع زیان تک دوره‌ای را در نوسانات تورم و تغییر در شکاف تولید حداقل نماید (به عبارت دیگر از سرعت مجاز پیروی کند)، زیان و هزینه‌های اجتماعی کمتری را در مقایسه با بانک مرکزی عامل تحت صلاحدید خالص^{۱۱} که در آن، تابع زیان تک دوره‌ای در نوسانات تورم و شکاف تولید حداقل می‌شود، موجب می‌شود. از این‌رو، قاعده هدف‌گذاری سرعت مجاز به نتایج هدف‌گذاری تعهد نزدیک است.

بنابراین، در این تحقیق، قصد داریم تا با به کارگیری مدل کینزین جدید و قاعده هدف‌گذاری تعهد، به استخراج وزن یا اهمیت تغییرات در شکاف تولید تحت قاعده هدف‌گذاری سرعت مجاز پرداخته و زیان اجتماعی تحت این قاعده هدف‌گذاری را با قاعده صلاحدید خالص که در آن بانک مرکزی فاقد ابزار تعهدی است، مقایسه نماییم.

^۸ Discretion

^۹ Walsh, (2001)

^{۱۰} Myopic

^{۱۱} Pure Discretion

قواعد هدف‌گذاری، رابطه جایگزینی مطلوب میان تغییر در شکاف تولید و تورم را تصریح می‌کند. اما به علت عدم ظهور نرخ بهره یا ابزار سیاست‌گذاری در آن، به طور صریح یک قاعده ابزاری برای تعیین نرخ بهره را پیشنهاد نمی‌کنند. فقدان تابع واکنش سیاستی، می‌تواند سودمندی سیاست بهینه را محدود سازد. (استراکا^{۱۲}، ۲۰۰۶). به همین علت، در این تحقیق، با به کارگیری مولفه‌های مدل کینزین جدید آینده‌نگر و با فرض این‌که، ابزار اولیه سیاست‌گذاری پولی نرخ بهره است، درصدد هستیم تا به استخراج یک قاعده ابزاری بهینه از قاعده هدف-گذاری تعهد پردازیم. این قاعده ابزاری، سیاست سرعت مجاز نام دارد. قاعده ابزاری سرعت مجاز، نوعی قاعده ابزاری استاندارد از نوع قاعده تیلور ویرایش یافته است، به طوری که در آن، تغییرات در شکاف تولید افزوده شده است. این قاعده، با ارائه پارامترسازی مناسب دقیقاً بهینه است و می‌توان از آن، به عنوان نماینده سیاست و یک قاعده ابزاری بهینه استفاده کرد.

استفاده از قواعد سیاستی به عنوان یکی از مورد قبول‌ترین روش‌ها در مطالعه سیاست-های پولی و مالی، از بارزترین ویژگی‌های تحقیقات مربوط به حوزه سیاست‌گذاری در چند دهه اخیر و (به خصوص از دهه ۱۹۹۰ به بعد)، به شمار می‌رود. یک قاعده سیاستی بیان می‌کند که ابزارهای سیاستی چگونه باید به تغییرات در وضعیت اقتصاد واکنش نشان دهند. امروزه تمایل بسیار زیادی به استفاده از قواعد سیاستی به عنوان راهنمای اتخاذ تصمیمات سیاستی نزد کارکنان و مقامات بانک‌های مرکزی وجود دارد. تیلور^{۱۳} (۱۹۹۳a)، یک قاعده ساده برای سیاست پولی را پیشنهاد کرد که در آن، نرخ بهره اسمی به عنوان متغیر سیاستی است که نسبت به انحراف تولید و انحراف تورم از مقادیر هدفشان، واکنش نشان می‌دهد. این قاعده، در ابتدا برای ایالات متحده طراحی شده بود، ولی بعداً نسخه تعدیل شده آن به خوبی در سایر اقتصادهای توسعه یافته مورد استفاده قرار گرفت.

^{۱۲}Stracca, (2006)

^{۱۳}Taylor, (1993a)

اولین قاعده ابزاری مرسوم در سیاست پولی که نوع ویرایش یافته‌ای از قاعده تیلور است، هدف‌گذاری تورم^{۱۴} (IT) است که در آن، بانک مرکزی قاعده عکس‌العمل نرخ بهره را در واکنش با شکاف تورم، شکاف تولید و وقفه نرخ بهره تنظیم می‌نماید. قاعده بعدی، هدف‌گذاری سطح قیمت^{۱۵} (PLT) است که در آن، بانک مرکزی قاعده عکس‌العمل نرخ بهره را در واکنش به شکاف سطح قیمت، نرخ تورم، شکاف تولید و وقفه نرخ بهره تنظیم می‌نماید. سومین قاعده ابزاری، هدف‌گذاری سرعت مجاز (SLT) است که در آن، بانک مرکزی به جای سطح شکاف تولید از شبه رشد شکاف تولید در تنظیم نرخ بهره استفاده می‌کند.

بنابراین، با توجه به اهمیت قاعده مندی رفتار سیاست‌گذار پولی قصد داریم تا به بررسی عملکرد قواعد ابزاری مرسوم در سیاست پولی در اقتصاد ایران پرداخته و قاعده سیاستی متناسب با داده‌های اقتصاد ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۱ سوال‌های تحقیق:

آیا سیاست سرعت مجاز پولی در اقتصاد ایران منحصر به فرد است و در صورت منفی بودن پاسخ، آیا این سیاست بهینه است؟
در اقتصاد ایران، تاثیر نرخ بهره اسمی بر تورم، شکاف تولید و تغییرات در شکاف تولید چگونه است؟

۴-۱ اهداف تحقیق:

در این مطالعه قصد داریم تا در ابتدا، با به کارگیری مدل پایه‌ای کینزین جدید آینده‌نگر، به استخراج قاعده ابزاری سرعت مجاز از قاعده هدف‌گذاری بهینه تعهد بپردازیم و ضمن محاسبه پارامترهای موجود در این قاعده ابزاری، ارتباط میان متغیرهای موجود در این قاعده ابزاری، یعنی تورم، شکاف تولید و تغییر در شکاف تولید را با نرخ بهره اسمی تعیین و در ادامه،

¹⁴Inflation targeting

¹⁵ Price Level Targeting

نتایج بدست آمده را با نتایج حاصل از برآورد قاعده ابزاری سرعت مجاز در اقتصاد ایران مقایسه نماییم. بعلاوه، با محاسبه وزن یا اهمیت متغیر شکاف یا تغییر در شکاف تولید در تابع زیان بانک مرکزی و تحت سه قاعده هدف‌گذاری تعهد، صلاحدید و سرعت مجاز، به مقایسه زیان اجتماعی در آن‌ها بپردازیم. در ادامه، با به کارگیری مدل استاندارد کینزین جدید مرکب^{۱۶} که در آن به رفتار هر دو عاملان گذشته‌نگر^{۱۷} و آینده‌نگر توجه می‌شود، به ارزیابی و مقایسه قواعد ابزاری مرسوم در سیاست پولی که نوع ویرایش یافته‌ای از قاعده تیلور هستند، می‌پردازیم.

۵-۱ جامعه آماری

در این تحقیق، علاوه بر بررسی قاعده سرعت مجاز که در آن نرخ بهره در واکنش با تورم، شکاف تولید و تغییر در شکاف تولید تعیین می‌شود، به ارزیابی و مقایسه قواعد ابزاری مرسوم در سیاست پولی به طوری که، متناسب با داده‌های اقتصاد ایران هستند، می‌پردازیم.

۶-۱ نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش، از داده‌های فصلی دوره زمانی ۱:۶۹-۳:۹۰، برای برآورد کلیه معادلات مورد نظر استفاده شده است. با توجه به عدم به کارگیری نرخ بهره در اقتصاد ایران، توافق کلی میان محققان در انتخاب جایگزین مناسب برای نرخ بهره وجود ندارد. به طوری که، برخی از آن‌ها نرخ سود علی الحساب بانکی را به عنوان جایگزین نرخ بهره به کار برده‌اند. برخی دیگر نیز، نرخ رشد پایه پولی را متناسب با شرایط اقتصاد ایران می‌دانند. به همین علت، در این مطالعه، از هر دو متغیر نرخ سود علی الحساب و نرخ رشد پایه پولی استفاده شده است.^{۱۸} برای محاسبه نرخ تورم، از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در سال پایه ۷۶ استفاده شده است. کلیه متغیرهای تورم، تولید ناخالص داخلی واقعی به قیمت پایه ۷۶، نرخ سود

^{۱۶}Hybrid New Keynesian

^{۱۷}Backward- looking

^{۱۸}برای مطالعه بیشتر به فرزین وش، برخورداری (۱۳۸۹) و کمیجانی، توکلین (۱۳۹۰) رجوع شود.